

## تحریم‌های بین‌المللی و سیاستگذاری دیپلماسی اقتصادی در ایران

هاجر اصغری زرگرآبادی<sup>۱</sup>

دکتر شهروز شریعتی<sup>۲</sup>

### چکیده

چگونگی اجرای راهبردها و اهداف کلان در حوزه دیپلماسی اقتصادی مستلزم شناخت جامع از مفهوم سیاستگذاری و برنامه‌ریزی اجرایی و ملتزم با فهم دقیق وضع موجود است و فهم این عناصر می‌تواند منجر به اتخاذ راهبردهای اثربخش در پیشبرد امور کشور باشد. این مقاله کوشیده است تا به این پرسش پاسخ دهد که مسئله تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران چگونه در برنامه‌ها و سیاستگذاری‌های عرصه دیپلماسی اقتصادی کشور اولویت‌گذاری شده است؟ مقاله در پاسخ به این پرسش، با استناد به نتایج ارزیابی احکام برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و نیز بررسی آمار و اطلاعات موجود در حوزه متغیرهای کلان اقتصادی در حوزه دیپلماسی اقتصادی و با استفاده از دو روش تحلیل محتوای متعارف و روندپژوهی، نشان می‌دهد که سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کلان کشور در حوزه دیپلماسی اقتصادی بدون توجه به تحریم‌ها صورت‌بندی شده است. یافته‌های این پژوهش از سویی نشان می‌دهد اسناد بالادستی و برنامه‌های توسعه ایران فاقد راهکارها و سازوکارهای ثبات‌بخش برای مدیریت و کاهش پیامدهای تحریم است و از سوی دیگر موید این نکته است که با وجود اعمال تحریم‌های اقتصادی از دهه ۱۳۷۰ و روند افزایشی آن تا امروز، ردی از به رسمیت شناخته شدن تحریم‌ها در جریان سیاستگذاری کلان اقتصادی دولت‌ها در ایران دیده نمی‌شود به نحوی که می‌توان گفت دولت‌ها فاقد دستورکار و راهبردهای مشخص در تقابل با تحریم‌های گسترده بانکی و تجاری بوده‌اند و در بسیاری از موارد بدون برنامه و دستور مشخص و بر مبنای ابتکارات، تجربیات و نگرش‌های شخصی کارگزاران به کنشگری در دیپلماسی اقتصادی پرداخته‌اند.

**واژگان کلیدی:** ایران، سیاست خارجی، دیپلماسی اقتصادی، تحریم، برنامه توسعه

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس h.asghari@modares.ac.ir

<sup>۲</sup> - دانشیار گروه علوم سیاسی (مسائل ایران) دانشگاه تربیت مدرس shariati@modares.ac.ir

## **International Sanctions and Economic Diplomacy in Iran**

### **Abstract:**

One of the key challenges facing the Islamic Republic of Iran in its foreign policy experience is the effective implementation of its strategic objectives and national goals. In this context, a comprehensive understanding of policymaking and executive planning, aligned with a precise grasp of the current situation, is essential. Such an understanding can facilitate the adoption of effective strategies for advancing national affairs. This study seeks to answer the following question: How have international sanctions against Iran been prioritized in the country's economic diplomacy policies and programs? In order to address the aforementioned question, the present study has been conducted in a manner that incorporates an analysis of the provisions of Iran's five-year development plans, as well as an examination of macroeconomic variables within the realm of economic diplomacy. Utilising two methodological approaches – conventional content analysis and trend analysis – the findings reveal that Iran's macro-level policymaking and planning in economic diplomacy have been formulated without direct consideration of sanctions. The results further indicate that Iran's National Policy Statements and development plans lack stabilising mechanisms and strategies to manage and mitigate the consequences of sanctions. Moreover, despite the imposition of economic sanctions since the 1990s and their increasing intensity over time, there is no indication that sanctions have been formally acknowledged within the country's macroeconomic policy frameworks. This finding suggests that successive governments have operated without a clearly defined agenda or strategic approach in response to extensive banking and trade sanctions, often relying on ad hoc initiatives, individual experiences, and personal perspectives of policymakers in conducting economic diplomacy.

**Keywords:** Iran, Foreign policy, Economic Diplomacy, Sanctions, Development Plans

## ۱- مقدمه

دیپلماسی اقتصادی، بخشی از فرایند پیچیده و چندلایه سیاست‌گذاری خارجی است که با هدف دستیابی به منافع ملی و با تأکید بر نیازهای اساسی اقتصاد کشور انجام می‌شود. در این میان تغییرات بدون ضابطه در محورهای سیاست‌گذاری، امکان برنامه‌ریزی دقیق برای فعالان اقتصادی و سیاسی را محدود می‌کند و در حالی که بدنه اندیشگانی و سیاست‌گذاری جوامع همواره به پژوهش درباره روندهای آینده و اتخاذ سیاست‌های متناسب با نیازهای جدید فراخوانده می‌شوند، مسئله سیاست‌گذاری حوزه دیپلماسی اقتصادی در شرایط تحریم‌های بین‌المللی همچنان یکی مسائل مغفول از سوی سیاستمداران کشور است. امروزه تحریم‌ها به عنوان یکی از امکانات سیاست خارجی دولت‌ها (Drury, 2005: 46) ابزار قدرتمندی برای بسط هژمونی غرب محسوب می‌شود. بعد از پایان جنگ سرد، تحریم‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار شد و کشور ایران طی سال‌های متمادی به عنوان کشور هدف بسیاری از تحریم‌های اقتصادی قرار گرفت. در سال‌های اخیر تحریم‌ها به عنوان یکی از مهمترین مسائل روز مورد بحث در مجامع علمی ایران قرار گرفته است اما تعداد انتشارات علمی، کتاب و مقاله مرتبط در داخل کشور به گونه‌ای شگفت‌آوری کم بوده است و این در حالی است که کشورهای تحریم‌ساز همواره مطالعات دقیقی را در مورد تأثیر آن بر بخش‌های مختلف اقتصادی انجام داده‌اند (Egger, Syropoulos & Yotov, 2024: 8). تأثیر تحریم‌ها می‌تواند بر بخش‌های اقتصادی و یا سایر متغیرهای کلان اقتصادی نظیر تورم و بیکاری و حتی برخی شاخص‌های اصلی اقتصادی-اجتماعی مانند امید به زندگی، نرخ مرگ‌ومیر و یا پیشرفت تحصیلی که به دلیل دوره‌ی طولانی غیرمعمول تحریم در ایران از آن تأثیر پذیرفته‌اند نیز قابل تعمیم باشد. در همین حال، با وجود پیشینه جدی و تدوین چند سند جریان‌ساز دو دهه اخیر در مسیر سیاست‌گذاری‌های کلی نظام به نظر می‌رسد جریان تدوین برنامه‌های توسعه در ایران، به شکلی واضح تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران را مورد تحلیل و توجه قرار نداده است. بر مبنای آنچه گفته شد یافتن پاسخی به این پرسش که نسبت تحریم‌های بین‌المللی با سیاست‌گذاری‌های کشور در حوزه دیپلماسی اقتصادی چگونه است، مساله اصلی این مقاله خواهد بود. به بیان بهتر در کنار نقش مهم گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی ایران، نحوه اقدام عملیاتی در حوزه دیپلماسی اقتصادی می‌تواند فرصت‌ها و تهدیداتی را فراروی جمهوری اسلامی ایران قرار دهد که بررسی این شرایط می‌تواند به عنوان عاملی موثر در اصلاح تصمیم‌سازی‌های راهبردی در نظر گرفته شود. چالش‌های فراروی ایران در این ارتباط به ویژه از این منظر حائز اهمیت است که جمهوری اسلامی در شرایط فعلی برای تحدید تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم حاصل از تحریم‌ها ناگزیر از اقدامات عملی و متفاوت در حوزه سیاست‌گذاری برای دیپلماسی اقتصادی

است. روش انجام این پژوهش مبتنی بر روش تحلیل محتوای متعارف و همچنین روش پایش تحلیل روند است. روش تحلیل محتوای متعارف برای بررسی متن برنامه‌های توسعه و روش تحلیل روند برای بخش سیاست‌پژوهی مورد استفاده قرار گرفته است. در چارچوب این پژوهش تلاش می‌شود افزون بر منابع دست اول، از منابع دیگری که به پژوهش پیرامون برنامه‌های توسعه پرداخته و یا سایر اسناد بالادستی را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده است نیز استفاده شود. روش گردآوری مطالب و اطلاعات، مطالعات کتابخانه‌ای، کاوش منابع اینترنتی، گفت‌وگو با صاحب‌نظران و استفاده از گزارش‌ها، اخبار و اطلاعات مربوط به دیپلماسی اقتصادی ایران بوده است.

## ۲- پیشینه پژوهش

در حوزه مطالعات آثار تحریم‌های بین‌المللی بر تحولات دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، دو دسته کلی از پژوهش‌ها قابل شناسایی هستند؛ در دسته نخست به مطالعات داخلی که به ابعاد گوناگون دیپلماسی اقتصادی ایران پرداخته می‌شود و در دسته دوم، به مطالعات داخلی و بین‌المللی که به اثرات تحریم‌ها بر تحولات سیاست‌ها و دیپلماسی اقتصادی پرداخته‌اند، اشاره می‌شود.

از بین آثاری است که به دیپلماسی اقتصادی ایران پرداخته‌اند می‌توان به مطالعه سجادی‌پور و همکاران (۱۳۹۸) نیز با ارائه مدل‌هایی از دیپلماسی اقتصادی ایران، به راهبردهای کلیدی مقابله با تهدیدات اقتصادی و تقویت قدرت اقتصادی اشاره کرده‌اند. در این میان پژوهش‌هایی هستند که دیپلماسی اقتصادی ایران را با سایر کشورهای همسایه و شرکای تجاری ایران مقایسه کرده‌اند. کالچی و هرورانی (۱۴۰۰) در تحقیقی بر تقویت دیپلماسی اقتصادی ایران و ارمنستان تأکید دارند و آزادبخت و همکاران (۱۴۰۲) با بررسی روابط ایران و عراق به ظرفیت‌های بالقوه برای تقویت همکاری‌ها اشاره می‌کنند. در میان آثار فارسی حوزه «تحریم‌های بین‌المللی»، مطالعاتی چون مقاله عبدالخانی و همکاران (۱۴۰۰) که تحریم‌های اقتصادی را از منظر اقتصاد سیاسی تحلیل می‌کنند و صبوری و صالحیان (۱۳۹۶) که دیپلماسی اقتصادی دولت‌های یازدهم و دوازدهم را بررسی کرده‌اند، بر تأثیر تحریم‌ها در تغییرات سیاست‌گذاری اقتصادی ایران تأکید دارند. علینقی‌پور و گودرزی (۱۴۰۱) به بررسی تأثیر تحریم‌های آمریکا بر جهت‌گیری دیپلماسی اقتصادی ایران به سمت شرق، با تمرکز بر روابط ایران و روسیه در دوره ریاست‌جمهوری حسن روحانی پرداخته و در نتیجه این تحقیق نشان می‌دهند که تحریم‌های آمریکا علیه ایران، به ویژه پس از خروج از برجام در سال ۲۰۱۸، تأثیر قابل توجهی بر جهت‌گیری دیپلماسی اقتصادی ایران به سمت شرق داشته است. مسعودنیا و همکاران (۱۳۹۳) به تحلیل فرصت‌ها و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با این تحریم‌ها پرداخته‌اند و تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را به عنوان فرصتی برای تقویت اقتصاد مقاومتی و

کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی در قالب بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی، کاهش وابستگی به نفت، توسعه صادرات، استفاده از مزیت‌های ترانزیتی، تقویت دیپلماسی انرژی، منطقه‌گرایی فعال و گسترش همکاری با کشورهای دیگر جهان، با هدف کاهش هزینه‌های تحریم و افزایش امنیت اقتصادی ایران دانسته‌اند.

آفسورگبور (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای در خصوص تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر تجارت بین‌الملل، به این پرسش پاسخ داده است که «تحریم‌های اعلام شده در مقایسه با تحریم‌های اعمال شده چگونه است؟». وی در این مطالعه از مدل جاذبه‌آبرای تحلیل تأثیر تهدیدها و اعمال تحریم‌های اقتصادی بر تجارت بین‌المللی استفاده می‌کند. داده‌ها شامل ۱۰۱۵۳ مورد تحریم از ۶۰ کشور تحریم‌کننده و ۱۴۳ کشور هدف طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۹ است. نتایج نشان می‌دهد که اعلام تحریم‌ها به این معنا که کشور مقصد فقط به تحریم شدن تهدید شود، تجارت را ۱۷٪ تا ۲۹٪ افزایش می‌دهد (به دلیل انبار کردن کالاها)، در حالی که اعمال تحریم‌ها تجارت را ۱۶٪ تا ۳۲٪ کاهش می‌دهد. تحریم‌های جامع در قیاس با تحریم‌های موردی تأثیر منفی بیشتری دارند و محصولات ضروری مانند غذا و دارو بیشتر تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرند. وانگ<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۹) تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر نوسانات نرخ ارز را در ۲۳ کشور هدف (۱۹۹۶-۲۰۱۵) بررسی و نشان دادند که تحریم‌های اتحادیه اروپا، نوسانات نرخ ارز را افزایش می‌دهند در حالی که تحریم‌های ایالات متحده و تحریم‌های یکجانبه تأثیر کمتری دارند. این مطالعه توصیه می‌کند کشورهای هدف به نوسانات نرخ ارز توجه کنند و کشورهای تحریم‌کننده از تحریم‌های بلندمدت و کم‌شدت اجتناب نمایند. گوروویچ<sup>۴</sup> و پرلیپسکی (۲۰۱۵) تأثیر تحریم‌های مالی غرب بر اقتصاد روسیه را بررسی کرده‌اند. نویسندگان با مدل‌سازی جریان سرمایه و در نظر گرفتن عواملی مانند کاهش قیمت نفت، نتایج نشان می‌دهد تحریم‌ها به‌طور مستقیم بانک‌های دولتی و شرکت‌های نفت، گاز و تسلیحات را با محدود کردن دسترسی به منابع مالی خارجی تحت تأثیر قرار داده‌اند. همچنین، به‌طور غیرمستقیم با کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، شرایط تأمین مالی شرکت‌های غیرتحریمی را نیز بدتر کرده‌اند. برآوردهای این مقاله نشان می‌دهد تحریم‌ها طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ جریان سرمایه ناخالص را حدود ۲۸۰ میلیارد دلار کاهش خواهد داد، اما تأثیر بر جریان خالص سرمایه کمتر (۱۷۰-۱۶۰ میلیارد دلار) خواهد بود. این کاهش به دلیل خودتعدیلی شرکت‌های روسی و استفاده از دارایی‌های خارجی قبلی برای بازپرداخت بدهی‌ها رخ داده است. تأثیر تحریم‌ها بر

1. Afesorbor, S. K.
2. Gravity Model
3. Wang
4. Gurvich
5. Prilepskiy

تولید ناخالص داخلی تا سال ۲۰۱۷ معادل ۲,۴ واحد درصد برآورد شده است، اما این اثر تقریباً ۳,۳ برابر کمتر از تأثیر شوک کاهش قیمت نفت بوده است. لوتادی<sup>۱</sup> و پسران (۱۴۰۱) در گزارشی به سفارش مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی در خرداد ۱۴۰۱ با تمرکز بر دوره‌ی ۱۹۸۹ تا ۲۰۲۰، با هدف ارائه یک شاخص جدید برای اندازه‌گیری شدت تحریم‌ها بر اساس پوشش خبری روزنامه‌ها و ارزیابی کمی تأثیرات این تحریم‌ها بر اقتصاد ایران با استفاده از مدل‌های خودتوضیح برداری ساختاری<sup>۲</sup> و تحلیل‌های سری زمانی تحقیقی را انجام داده‌اند. در این تحقیق، نویسندگان از یک شاخص جدید شدت تحریم‌ها که بر اساس تعداد مقالات منتشر شده در شش روزنامه‌ی بین‌المللی درباره تحریم‌های ایران ساخته شده، استفاده کرده‌اند. این شاخص به عنوان متغیر اصلی در مدل‌های اقتصادسنجی به کار گرفته شده تا اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت تحریم‌ها بر اقتصاد ایران را شناسایی کند. نتایج تحقیق مذکور نشان از آن دارد که تحریم‌ها تأثیرات مثبت و منفی قابل توجهی بر اقتصاد ایران داشته‌اند اگرچه تأثیرات منفی به مراتب بیشتر بوده است. این مطالعه در عین حال بر این موضوع تأکید دارد که نمی‌توان تمام مشکلات اقتصادی ایران را فقط به تحریم‌ها نسبت داد. کتاب «هنر تحریم‌ها» اثر ریچارد نفیو (۱۳۹۷) نیز به بررسی ابزار تحریم‌ها به عنوان یک سلاح استراتژیک در سیاست خارجی می‌پردازد و نشان می‌دهد این تحریم‌ها با محدود کردن دسترسی ایران به بازارهای مالی جهانی و کاهش درآمدهای نفتی، تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد ایران گذاشتند و زمینه‌ساز توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ (برجام) شدند. نفیو معتقد است که تحریم‌ها زمانی موفق هستند که همراه با دیپلماسی فعال و هماهنگی بین‌المللی باشند. کتاب «جنگ خزانه‌داری‌ها» اثر خوان زاراته<sup>۳</sup> (۱۳۹۷) نیز به بررسی نقش تحریم‌های مالی به عنوان ابزاری قدرتمند در سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی می‌پردازد. نویسنده، که از معماران اصلی تحریم‌های علیه ایران بود، توضیح می‌دهد که چگونه تحریم‌های مالی با هدف قرار دادن سیستم بانکی و مالی ایران، توانستند تأثیرات عمیقی بر اقتصاد این کشور بگذارند. وی نیز تأکید می‌کند که موفقیت تحریم‌ها به هماهنگی بین‌المللی، هدف‌گیری دقیق و ترکیب آن با دیپلماسی فعال بستگی دارد

### ۳- چستی مفهوم دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی اقتصادی شامل استفاده از مهارت‌های دیپلماتیک با ابزارهای اقتصادی برای پیشبرد اهداف اقتصادی، سیاسی و راهبردی یک کشور و روشی است که در آن دولت‌ها روابط اقتصادی خود را در سطح ملی تصمیم‌گیری

1. Lautadi
2. SVAR
3. Juan Zarate

و (سپس) در سطح بین‌المللی مذاکره می‌کنند. (Bayne and Woolcock, 2007: 3-4) دیپلماسی اقتصادی شامل طیف وسیعی از فعالیت‌ها از جمله مذاکرات تجاری، توافقات اقتصادی و همکاری‌های بین‌المللی برای تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری است (Afesorgbor, 2019:14; Ndakaripa, 2020:369). یکی از جنبه‌های مهم دیپلماسی اقتصادی، توانایی آن در ایجاد و تقویت روابط تجاری بین کشورها است. به عنوان مثال، در کشورهای کوچک، دیپلماسی اقتصادی می‌تواند به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی از طریق تعاملات صلح‌آمیز و همکاری‌های اقتصادی عمل کند (Timilsana, 2024:141; Ramadan & Anggraeni, 2022:54). این نوع دیپلماسی به کشورها این امکان را می‌دهد که از منابع و فرصت‌های اقتصادی دیگر کشورها بهره‌برداری کنند و در عین حال منافع ملی خود را حفظ نمایند (Hutabarat, 2023: 138). افزون بر این، دیپلماسی اقتصادی به عنوان یک ابزار برای حل و فصل اختلافات اقتصادی و اجتماعی بین کشورها نیز شناخته می‌شود. در این راستا، دیپلماسی اقتصادی می‌تواند به عنوان یک پل ارتباطی برای تسهیل مذاکرات و توافقات بین‌المللی عمل کند یا موجب کاهش موانع تجاری و تسهیل جریان سرمایه شود (Afesorgbor, 2019:18). در نهایت، دیپلماسی اقتصادی نه تنها به عنوان یک ابزار برای ارتقای منافع اقتصادی کشورها عمل می‌کند، بلکه می‌تواند به عنوان یک عامل کلیدی در شکل‌دهی به سیاست‌های خارجی و داخلی کشورها نیز مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل، درک و تحلیل دیپلماسی اقتصادی به عنوان یک مفهوم چندبعدی و پویا، برای پژوهشگران و سیاست‌گذاران اهمیت ویژه‌ای دارد (Olsen, 2022: 9).

برای توصیف مدیریت دیپلماسی اقتصادی، می‌توان سه مدل اساسی، «مدل یکپارچه»، «مدل دوگانه» و «مدل وکالتی» را مشاهده کرد. مدل یکپارچه که رویکرد واحدی برای حل و فصل مسائل دیپلماسی اقتصادی است تمامی صلاحیت‌های مرتبط با تأمین و اجرای دیپلماسی اقتصادی را در سطح دولتی بر یک وزارتخانه (برای مثال امور خارجه) متمرکز می‌کند و این وزارتخانه در اغلب موارد همکاری بسیار نزدیکی با دستگاه‌های دولتی متخصص در دستور کار اقتصادی دارد. نمونه‌ای از نحوه استفاده از یک مدل واحد کانادا است که توسط وزارت امور خارجه و تجارت خارجی ارائه شده است. مدل دو ستونی راه دوم سازماندهی دیپلماسی اقتصادی است که طی آن می‌توان با توجه به ماهیت نهادهای مجری، صلاحیت‌ها در حوزه دیپلماسی اقتصادی را بین دو وزارتخانه (به عنوان مثال: امور خارجه و امور اقتصادی) تفویض کرد. مدل وکالتی، سومین نوع تقسیم صلاحیت‌ها در حوزه دیپلماسی

1. The United Mode
2. Dual Model
3. Joint Representation

اقتصادی است که در این شیوه اختیارات زیادی به بخشی از دولت و در مواردی یک نهاد عمومی دیگر تفویض می‌شود. به عنوان نمونه بارز این مدل، دیپلماسی اقتصادی کشور سنگاپور است، در شکل تا حدودی تغییر یافته از این مدل در دیپلماسی اقتصادی آلمان مشاهده می‌شود و البته شکل دیگری از این نوع در بریتانیای کبیر اعمال می‌شود. (Markova, 2019: 27-30) مطابق آنچه گفته شد سیاستگذاری در حوزه دیپلماسی اقتصادی اهمیت مهمی برای هر کشور دارد و مستلزم تمرکز و برنامه‌ریزی جدی سیاستگذاران خارجی در هر کشور است.

#### ۴- ساختار و عناصر تحریم‌های بین‌المللی

طی دهه‌های اخیر که کشورها از تقابل در قالب جنگ‌های رو در رو و سرزمینی به سبب تلفات بالای انسانی و آسیب به زیرساخت‌های اقتصادی پرهیز داشته‌اند، دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و ملت‌ها به‌طور فزاینده‌ای به تحریم‌ها به عنوان یک ابزار سیاست خارجی روی آورده‌اند. اهداف اجرای تحریم‌ها بسته به زمینه و اهداف خاص کشورها یا سازمان‌های اعمال‌کننده آنها می‌تواند متفاوت باشد. با این حال، برخی اهداف مشترک در ارتباط با استفاده از تحریم‌ها نیز وجود دارد که جدول شماره یک شش مورد از این اهداف را تشریح می‌نماید:

#### جدول شماره (۱): اهداف تحریم‌های اقتصادی

ردیف	هدف اعمال تحریم	نحوه اعمال
۱	فشار دیپلماتیک	نشان دادن عدم تایید یا اعتراض به اقدامات یا سیاست‌های خاص و تشویق دولت مورد نظر برای تغییر رفتار یا پیروی از خواسته‌های خاص
۲	عدم اشاعه تسلیحات	جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیکی یا متعارف از طریق اعمال محدودیت بر تجارت، انتقال فناوری و تراکنش‌های مالی
۳	حقوق بشر و دموکراسی	رسیدگی به نقض حقوق بشر، ترویج دموکراسی یا تشویق احترام به آزادی‌های اساسی از طریق اعمال تحریم‌های هدفمند بر افراد یا نهادهای مسئول نقض حقوق بشر یا تضعیف فرآیندهای دموکراتیک
۴	ضد تروریسم	ایجاد اختلال در شبکه‌های تامین مالی تروریسم از طریق محدود کردن دسترسی شبکه‌های تامین مالی تروریسم به منابع
۵	اهداف اقتصادی و تجاری	جلوگیری از دور زدن قراردادهای تجاری، رفع نگرانی‌های مربوط به حقوق مالکیت معنوی، استانداردهای کار یا حفاظت از محیط‌زیست
۶	حل تعارض	ایجاد فشار اقتصادی و سیاسی برای تسهیل حل مسالمت‌آمیز مناقشه از طریق تشویق طرف‌های درگیر در یک درگیری برای شرکت در مذاکرات، توقف خصومت‌ها یا پیروی از توافق‌نامه‌های صلح



Source: Mudler, 2022

دستیابی به اهداف و نتایج تحریم‌ها می‌تواند به طیفی از عوامل نظیر انعطاف‌پذیری کشور هدف، پویایی ژئوپلیتیک و نحوه اجرای خود تحریم‌ها بستگی داشته باشد و فرآیند تصمیم‌گیری برای اعمال تحریم‌های خاص در یک موقعیت معین می‌تواند عوامل و ملاحظات مختلفی را در برگیرد. جدول شماره دو برخی از مولفه‌های ساختاری مدنظر کشورها و برخی مصادیق آنها را بیان می‌دارد:

### جدول شماره (۲): مولفه‌های ساختاری سیاست‌گذاری تحریم

ردیف	مولفه ساختاری	مصادیق
۱	اهداف سیاسی	حقوق بشر، جلوگیری از تکثیر سلاح، رسیدگی به نگرانی‌های امنیتی، مقابله با تروریسم. اهداف سیاستی خاص
۲	ارزیابی کشور هدف	تعیین آسیب‌پذیری‌ها، وابستگی‌ها و حوزه‌های نفوذ در کشور هدف
۳	ایجاد اجماع بین‌المللی	تلاش‌های دیپلماتیک برای تعامل با سایر کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و بلوک‌های منطقه‌ای برای حصول توافق در مورد نحوه اجرای تحریم‌ها
۴	شناسایی نهادها یا افراد هدف	شناسایی مقامات دولتی، نهادهای نظامی، یا شرکت‌های دخیل در فعالیت‌های غیرقانونی، نقض حقوق بشر، یا تکثیر تسلیحات
۵	اقدامات تحریمی	محدودیت‌های تجاری، تحریم‌های مالی، ممنوعیت سفر، تحریم‌های تسلیحاتی، مسدود کردن دارایی‌ها یا محدودیت‌های انتقال فناوری

Source: Van Bergeijk, 2021

افزون بر آنچه گفته شد، چندین سازمان و نهاد بین‌المللی در نظارت بر اجرای تحریم‌ها نقش دارند. جدول شماره سه فهرستی از مهم‌ترین سازمان‌های مذکور را بیان می‌دارد:

### جدول شماره (۳): نهادهای بین‌المللی اثرگذار در تحریم‌های اقتصادی

ردیف	نام سازمان	نقش در نظارت بر اجرای تحریم‌ها
۱	شورای امنیت سازمان ملل متحد (UNSC)	دارای اختیار اعمال تحریم‌ها از طریق قطعنامه‌های الزام‌آور بر اساس فصل هفتم منشور سازمان ملل با هدف قرار دادن کشورها، نهادها یا افراد خاص از طریق اقداماتی که باید از سوی کشورهای عضو اجرا شود
۲	دفتر امور خلع سلاح سازمان ملل متحد (UNODA)	ترویج تلاش‌های خلع سلاح و عدم اشاعه، اجرای تحریم‌های مربوط به سلاح‌های کشتار جمعی در حمایت و تبعیت از قطعنامه‌های مربوطه شورای امنیت سازمان ملل و تسهیل همکاری بین کشورها برای جلوگیری از تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی

تعیین استانداردها و انجام اقدامات با هدف مبارزه با پولشویی، تامین مالی تروریسم و سایر تهدیدات علیه یکپارچگی سیستم مالی بین‌المللی و اعمال راهنمایی و ارزیابی اجرای اقدامات مربوط به تحریم‌های مالی، از جمله الزامات بررسی دقیق و مسدود کردن دارایی‌ها	گروه ویژه اقدام مالی (FATF)	۳
اتخاذ مواضع و تصویب مقررات مشترک برای اعمال تحریم‌ها علیه کشورها، نهادها یا افرادی که تهدیدی برای صلح، امنیت یا حقوق بشر فرض می‌شوند	اتحادیه اروپا (EU)	۴
فعالیت در سازمان‌ها و ائتلاف‌های منطقه‌ای با هدف اجرای تحریم‌ها	دولت‌های ملی	۵
اعمال تحریم با محدود کردن دسترسی به سیستم مالی دلاری	وزارت خزانه داری آمریکا	۶

منبع: نویسندگان

بدیهی است که نقش‌ها و مسئولیت‌های خاص نهادهای بین‌المللی تحریم‌ساز بسته به ماهیت تحریم‌ها و نهادهای درگیر ممکن است متفاوت باشد. با این وجود آنچه در سوی دیگر این نهادها اهمیت دارد، نحوه پاسخ منسجم به تحریم‌های بین‌المللی از سوی کشور تحت تحریم است. مقاله در ادامه با مروری بر محتوای برنامه‌های توسعه کشور می‌کوشد تا نشان دهد تحریم‌های بین‌المللی ایران در برنامه‌های مذکور چگونه اولویت‌گذاری شده‌اند.

##### ۵- تحریم‌های بین‌المللی و دیپلماسی اقتصادی ایران در برنامه‌های توسعه

تحریم‌های اقتصادی و سیاسی علیه ایران از سال ۱۳۵۷ آغاز و تاکنون ادامه داشته‌اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۳۵۷، روابط ایران با کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده، دچار تحولاتی اساسی شد. در پی تسخیر سفارت آمریکا در تهران در ۱۳۵۸، دولت آمریکا تمامی دارایی‌های ایران در ایالات متحده را مسدود کرد و به‌این ترتیب اولین تحریم‌های اقتصادی علیه ایران آغاز شد. این تحریم‌ها شامل محدودیت‌هایی در تجارت نفت و کالاهای فناوری بالا بودند<sup>۱</sup> در دوران جنگ ایران و عراق (۱۳۶۷-۱۳۵۹)، تحریم‌های آمریکا به‌ویژه علیه صادرات نفت ایران گسترش یافت. همچنین در این دوران، ایران به بهانه حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی و تروریستی در منطقه، با فشارهای بین‌المللی بیشتری مواجه شد. آمریکا علاوه بر تحریم‌های اقتصادی، ایران را به دلیل نقض حقوق بشر و حمایت از گروه‌هایی چون حزب‌الله لبنان، تحت فشار قرار داد. در دهه ۱۳۷۰، ایالات

<sup>1</sup>-<https://www.presidency.ucsb.edu/documents/proclamation-4702-imports-petroleum-and-petroleum-products-from-iran>

متحده به‌ویژه از طریق اعمال قانون «قانون داماتو» (۱۹۹۶) علیه ایران اقدام کرد.<sup>۱</sup> این قانون به‌ویژه کشورهای ثالث را تهدید می‌کرد که در صورت سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران، با تحریم‌های اقتصادی روبه‌رو خواهند شد. ایران در ادامه شاهد تشدید تحریم‌ها به دلیل برنامه هسته‌ای خود بود و در دهه ۱۳۸۰، تحریم‌ها علیه ایران به‌طور گسترده‌تری افزایش یافت و سازمان ملل متحد نیز به این تحریم‌ها پیوست. شورای امنیت سازمان ملل در چندین قطعنامه ایران را به دلیل نقض معاهدات بین‌المللی و توسعه برنامه هسته‌ای تحت تحریم قرار داد. مهم‌ترین این تحریم‌ها شامل محدودیت‌های تجارت تسلیحاتی و مالی بود. علاوه بر آن، ایالات متحده و اتحادیه اروپا تحریم‌های یک‌جانبه‌ای علیه ایران وضع کردند.<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۵، توافق هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ (آلمان و پنج کشور دائم شورای امنیت سازمان ملل) موسوم به برجام منعقد شد<sup>۳</sup> و در این توافق، ایران موافقت کرد که برنامه هسته‌ای خود را محدود کند و در مقابل، تحریم‌های هسته‌ای لغو شود. این توافق تا سال ۲۰۱۸ ادامه داشت، اما در این سال، رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، به‌طور یک‌جانبه ایالات متحده را از توافق هسته‌ای خارج کرد و تحریم‌ها علیه ایران اعمال و حتی تشدید شد، این تحریم‌ها شامل محدودیت‌های مالی و بانکی، تحریم‌های نفتی و همچنین تحریم‌های مربوط به برنامه موشکی ایران بودند که اتحادیه اروپا نیز در عمل از آنها تبعیت می‌کرد.<sup>۴</sup>

#### ۶- دیپلماسی اقتصادی در اسناد بالادستی و برنامه‌های توسعه

مقاله در ادامه می‌کوشد به پرسش اصلی ناظر بر چگونگی اولویت‌گذاری تحریم‌های بین‌المللی در برنامه‌ها و سیاستگذاری‌های عرصه دیپلماسی اقتصادی کشور بپردازد. در این مسیر اسناد و برنامه‌های مذکور به نحو کیفی و کمی در ارتباط با موضوع تحریم مورد بررسی قرار گرفتند.

در برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۳)<sup>۵</sup> و در ذیل عنوان «تعیین و اصلاح الگوی مصرف در جهت تأمین نیازهای انسان و جامعه در جریان رشد و تکامل مادی و معنوی با حفظ کرامت و آزادی انسان» به ضرورت «پرهیز از ترویج روحیه رفاه‌طلبی در جهت ایجاد آمادگی و کسب توانایی‌های لازم در کشور به منظور مقابله با شرایط مختلف ناشی از تحریم اقتصادی، جنگ و سایر دسیسه‌های دول استکبار و سلطه‌طلب» اشاره شده است. در این برنامه

<sup>۱</sup>-<https://www.congress.gov/bill/104th-congress/house-bill/3107/text>

<sup>۲</sup>-<https://ofac.treasury.gov/media/8581/download?inline>

<sup>۳</sup>-<https://2009-2017.state.gov/documents/organization/245317.pdf>

<sup>۴</sup><https://ofac.treasury.gov/sanctions-programs-and-country-information/iran-sanctions/may-2018-guidance-on-reimposing-certain-sanctions-with-respect-to-iran>

<sup>۵</sup>- <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91755>

همچنین تأکید زیادی بر آرمان‌های انقلابی مانند عدالت و خودکفایی شده است اما هیچ اشاره‌ای به دیپلماسی اقتصادی به چشم نمی‌خورد. به نظر می‌رسد این برنامه بیشتر به بازسازی کشور پس از جنگ تحمیلی متمرکز بود و در این راستا، بخش عمده‌ای از برنامه مذکور، در قالب شعارهای کلی، بر ضرورت آبادی و عمران با حفظ عدالت اقتصادی در جامعه تأکید داشت.

در برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴)<sup>۱</sup> هیچ اشاره مستقیم و غیرمستقیمی به موضوع تحریم‌های اقتصادی صورت نگرفته است. این برنامه عموماً به سیاست‌های پولی داخلی و خودکفایی اقتصادی توجه داشت. اما برخی بندها مانند توجه به عزت و حکمت در سیاست خارجی و تلاش برای کاهش استقراض خارجی و اتکا به توانمندی‌های داخلی، به طور غیرمستقیم به جنبه‌هایی از دیپلماسی اقتصادی اشاره کلی و در عین حال بدون امکان نظارت و ارزیابی داشته‌اند.

در برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹)<sup>۲</sup> دیپلماسی اقتصادی به طور واضح‌تری مطرح شده است. مهم‌ترین اقدام، توجه به صادرات غیرنفتی و بهره‌برداری از موقعیت جغرافیایی کشور در تجارت جهانی بود. همچنین ایجاد حساب ذخیره ارزی و تقویت روابط اقتصادی با کشورهای مختلف، از جمله سیاست‌های دیپلماتیک این دوره بود. با این وجود برنامه سوم نیز در خصوص تحریم‌های بین‌المللی هیچگونه موضع صریح یا ضمنی ندارد و در حالی که در سال ۱۹۹۶، دولت آمریکا به بهانه ارتباط با گروه‌های تروریستی، ایران و لیبی رادر قانونی به نام داماتو مورد تحریم قرار داد، اما در متن برنامه هیچ اشاره‌ای به موضوع تحریم مذکور و اثرات آن در حوزه اقتصاد نشده است.

برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴)<sup>۳</sup> نیز مانند دو برنامه پیش از خود همچنان وجود تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را به رسمیت نشناخته و هیچ بندی را در این خصوص پیش‌بینی نکرده است؛ در این برنامه، مواردی همچون ضرورت رقابت‌پذیری کالاهای ایران در بازارهای جهانی و تقویت صادرات غیرنفتی و توسعه همکاری‌های اقتصادی با کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا و سایر کشورهای همسایه بدون امکان نظارت و ارزیابی مطرح شده است. در برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰)<sup>۴</sup> همچنان برنامه‌نویسان و سیاستگذاران موضوع تحریم را مسکوت گذاشته‌اند و با اینکه به دنبال تغییر نگاه به منابع نفتی از تأمین‌کننده منابع مالی به «سرمایه‌های زاینده اقتصادی» بوده‌اند و توجه به سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه صادرات در حوزه خدمات با فناوری بالا و تقویت روابط اقتصادی

1- <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92488>

2- <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/93301>

3- <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/94202>

4- <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/790196>

با کشورهای منطقه، به‌ویژه کشورهای اسلامی و همسایه، از محورهای دیپلماسی اقتصادی برشمرده شده است اما هیچ رد و نشان صریح و ضمنی از موضوع تحریم و موانع ناشی از آن در خصوص اهداف مذکور ملاحظه نمی‌شود. در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه<sup>۱</sup> که در تیرماه ۱۳۹۴ ابلاغ شد، سیاستگذار به‌طور مستقیم به موضوع «تحریم» اشاره‌ای نکرده است. در بخش سیاست‌خارجی، بر موضوعاتی مانند «حفظ و افزودن بر دستاوردهای سیاسی در منطقه‌ی آسیای جنوب غربی»، «اولویت دادن به دیپلماسی اقتصادی با هدف توسعه‌ی سرمایه‌گذاری خارجی، ورود به بازارهای جهانی و دستیابی به فناوری برای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی و سند چشم‌انداز»، «توسعه‌ی کمی و کیفی رسانه‌های فرامرزی با زبان‌های رایج بین‌المللی»، «جلب سرمایه و توان علمی و تخصصی ایرانیان خارج از کشور در توسعه‌ی ملی» و «بهره‌گیری حداکثری از دیپلماسی نوین و عمومی» تأکید شده است. با این حال، هیچ اشاره‌ای به محدودیت‌های بانکی، مالی و تجاری ناشی از تحریم‌های بین‌المللی نشده است. این در حالی است که تحریم‌ها به عنوان یکی از اصلی‌ترین چالش‌های اقتصادی ایران در آن دوره، تأثیرات گسترده‌ای بر فضای اقتصادی کشور داشتند.

در برنامه ششم توسعه (۱۴۰۰-۱۳۹۶)<sup>۲</sup>، دیپلماسی اقتصادی با تأکید بر تقویت حضور ایران در بازارهای جهانی، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه روابط تجاری با کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا، بر اساس سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گرفت. همچنین، تقویت پیوندهای اقتصادی و بهبود فضای کسب‌وکار به عنوان بخشی از دستور کار دیپلماسی اقتصادی مطرح شد. با این وجود، در متن برنامه ششم نیز هیچ اشاره مستقیمی به تحریم‌های بانکی، مالی و تجاری و راهکارهای مقابله با آنها دیده نمی‌شود. این مسئله نشان می‌دهد که هر دو سند (سیاست‌های کلی و متن برنامه) به‌رغم توجه به اهدافی مانند توسعه روابط اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی، از پرداختن صریح به چالش تحریم‌ها و تأثیرات آن بر اقتصاد کشور اجتناب کرده‌اند.

این عدم اشاره مستقیم به تحریم‌ها در حالی است که ایران در زمان تدوین برنامه ششم توسعه با محدودیت‌های گسترده‌ای در مناسبات بانکی و تجاری بین‌المللی مواجه بود. به‌عنوان مثال، در بند چهارم بخش اقتصادی سیاست‌های کلی، بر «توسعه‌ی پیوندهای اقتصادی و تجاری متقابل و شبکه‌ای کشور به‌ویژه با کشورهای منطقه‌ی آسیای جنوب غربی، تبدیل‌شدن به قطب تجاری و ترانزیتی و انعقاد پیمان‌های پولی دو و چندجانبه با کشورهای طرف تجارت» تأکید شده است. با این حال، تحقق این اهداف در شرایط تحریم‌های شدید بین‌المللی که دسترسی

<sup>1</sup>-<https://maslahat.ir/0001Mw>

<sup>2</sup>-<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1014547>

ایران به نظام مالی جهانی را محدود کرده بود، با چالش‌های عمده‌ای همراه بود. این شکاف میان اهداف تعیین شده در سیاست‌های کلی و متن برنامه ششم توسعه از یک سو، و واقعیت‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌ها از سوی دیگر، نشان‌دهنده‌ی نوعی ناهماهنگی یا کم‌توجهی به شرایط بحرانی آن دوره است.

به طور کلی، می‌توان گفت که هر دو سند (سیاست‌های کلی و برنامه ششم توسعه) با وجود تأکید بر اهداف بلندپروازانه در حوزه دیپلماسی اقتصادی و توسعه روابط بین‌المللی، از تحلیل دقیق تأثیرات تحریم‌ها و ارائه راهکارهای عملی برای مقابله با آنها غافل مانده‌اند. این مسئله نه تنها اجرای برنامه‌ها را با دشواری مواجه کرد، بلکه نشان‌دهنده‌ی فاصله‌ای میان سیاست‌های کلان و واقعیت‌های اقتصادی کشور در آن مقطع زمانی است.

در سیاست‌های کلی برنامه هفتم<sup>۱</sup> که با محوریت «پیشرفت اقتصادی همراه با عدالت» تنظیم شده است، اشاره صریحی به مسئله تحریم‌ها و چالش‌های مرتبط با آن دیده نمی‌شود. در بخش‌های مربوط به سیاست خارجی و دیپلماسی، بر «فعال‌سازی دیپلماسی رسمی و عمومی با ایجاد تحول و ظرفیت‌سازی ارزشی و انقلابی در نیروی انسانی دستگاه دیپلماسی» و همچنین «تقویت رویکرد اقتصادمحور در سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای و جهانی، با اولویت‌دهی به همکاری‌های اقتصادی با کشورهای همسایه» تأکید شده است. با این حال، هیچ اشاره مستقیم یا غیرمستقیمی به شرایط تحریم‌های شدیدی که کشور در سه دهه پیش از تدوین این سیاست‌ها تجربه کرده، وجود ندارد. در متن برنامه هفتم توسعه<sup>۲</sup>، اما نگاه به تحریم‌ها کمی پررنگ‌تر شده است. در بخش سیاست خارجی و ذیل عنوان دیپلماسی سیاسی، به موضوع «لغو تحریم‌های ظالمانه» اشاره شده است. همچنین در بخش دیپلماسی اقتصادی، به «یافتن سازوکارهای مقابله با تحریم‌های بانکی و بیمه‌ای، به ویژه از طریق توسعه سیستم‌های جایگزین سوئیفت برای انتقال پیام‌های بانکی» پرداخته شده است. این موارد نشان می‌دهد که در متن برنامه هفتم، نسبت به سیاست‌های کلی، توجه بیشتری به مسئله تحریم‌ها شده است.

با این حال، می‌توان گفت که سیاستگذاران برنامه هفتم، پس از چهار دهه مواجهه با تحریم‌های بین‌المللی، برای نخستین بار به طور رسمی موضوع تحریم‌ها را، هرچند به صورت مختصر و محدود، در قالب دو واژه «لغو تحریم‌های ظالمانه» و «مقابله با تحریم‌های بانکی» به رسمیت شناخته‌اند. این نگاه، هرچند گامی رو به جلو محسوب می‌شود،

<sup>1</sup>-<https://www.leader.ir/fa/content/26016/%D8%A7%D8%A8%D9%84%D8%A7%D8%BA-%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%D8%AA-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%DA%A9%D9%84%DB%8C-%D8%A8%D8%B1%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87-%D9%87%D9%81%D8%AA%D9%85>

<sup>2</sup>-<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1809128>

اما همچنان فاصله زیادی با پرداختن به ابعاد گسترده و پیچیده تحریم‌ها و تأثیرات آن بر اقتصاد و سیاست خارجی کشور دارد.

در همین حال، مروری بر متن «سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴» که در آبان ۱۳۸۲ توسط رهبر انقلاب به سران قوای سه‌گانه ابلاغ شد نیز نشان می‌دهد کمترین نگرانی از موضوع تحریم وجود ندارد<sup>۱</sup> و حتی اثرات مستقیم و غیرمستقیم تحریم در نحوه تعریف اهداف و جهت‌گیری سند چشم‌انداز نیز مورد بحث قرار نگرفته است. افزون بر این موارد، نگارش سند چشم‌انداز به نحوی است که گویی کشور ایران با هیچگونه سدی در مسیر تعامل با سایر کشورهای جهان در حوزه تجارت روبرو نیست؛ لذا اینطور می‌توان فهم کرد که سیاستگذار در سند چشم‌انداز نیز موضوع تحریم را به رسمیت نشناخته است.

یکی دیگر از اسناد بالادستی کشور سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است که در سال ۱۳۹۲ و بر اساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، از سوی رهبری ابلاغ شد. در مطلع این سند مهم بر این موضوع تأکید شد که ایران با اقتصاد مقاومتی، عدالت‌بنیان، دانش‌محور و درون‌زا می‌تواند بر مشکلات فائق آید و الهام‌بخش باشد. در آخرین بند از این سند که به برشماری وظایف دولت برای تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگ‌سازی و بسیج پویای همه‌ی امکانات کشور، به ضرورت «رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن» تأکید و تصریح شده است. در جزء دیگری از همین بند به الزام دولت به «مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی» اشاره شده است. لذا می‌توان گفت سیاستگذار در نگارش سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی موضوع تحریم را تا حدودی به رسمیت شناخته و دولت را به آمادگی در برابر اثرات آن ملزم ساخته است؛ در عین حال مفاد بند پانزدهم که بر موضوع «بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع» تأکید دارد، نشان از آن دارد که لزوماً کلیه بندهای این سند موضوع تحریم را در نظر نداشته است و می‌توان گفت هر چند در ابتدای دهه ۱۳۹۰ و پس از تجربه سه دهه تحریم‌های بین‌المللی، سیاستگذار ایرانی با افزایش فشارهای دولت اوباما و شورای امنیت سازمان ملل تا حدودی موضوع تحریم را به رسمیت شناخته است، اما باز هم می‌توان دید که سندی که با عنوان «مقاومت» و با هدف ایجاد تغییرات بنیادی

<sup>1</sup>-<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۹۰۳۴>

<sup>2</sup>-<https://khl.ink/f/25370>

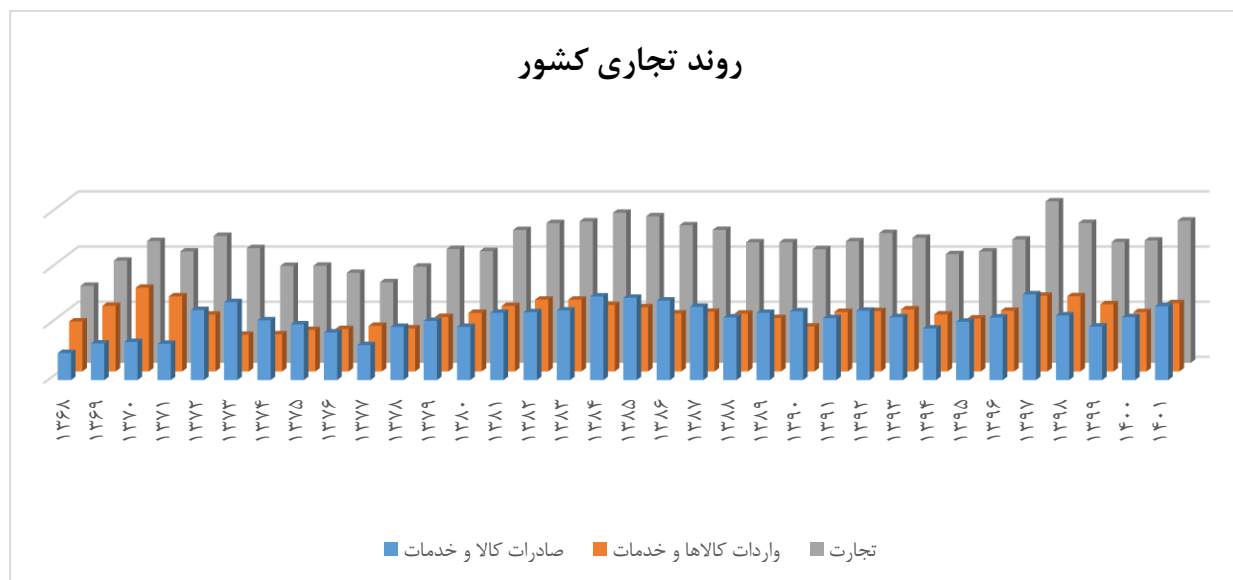
در اقتصاد ایران تهیه شده است، در بسیاری از بندهای خود جایگاهی برای تحریم به مثابه مانعی جدی برای تعامل با دیگر کشورها در عرصه‌های مالی و تجاری قائل نبوده است. در نتیجه می‌توان گفت دیپلماسی اقتصادی در اسناد بالادستی دهه‌های ۷۰ تا ۹۰ و همچنین برنامه‌های توسعه اول تا هفتم، به استثنای برخی از بندهای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، از اساس موضوع تحریم و پیامدهای سیاستی و اجرایی آن در عرصه‌های مرتبط با دیپلماسی اقتصادی را نادیده گرفته‌اند و این روند به به حدی است که می‌توان آن را به نوعی انکار تاثیر تحریم‌ها دانست. البته تحلیل محتوای کیفی متن برنامه‌های توسعه در حوزه دیپلماسی اقتصادی، طی برنامه‌های اول تا هفتم از سوی نویسندگان بیانگر این یافته مهم بود که در مجموع دستکم متن برنامه‌های مذکور از مرحله‌ای درون‌نگر به مرحله‌ای فعال‌تر و متمرکز بر روابط بین‌المللی و اقتصادی با کشورهای همسایه و قدرت‌های نوظهور گسترش یافته است.

#### ۷- پایش تاثیر روند تحریم‌ها بر داده‌های اقتصادی و تجاری ایران

آنچنان که اشاره شد اقتصاد ایران در طول سه دهه گذشته (۱۴۰۱-۱۳۶۸) با چالش‌های متعددی در حوزه تجارت خارجی مواجه بوده است که بخش زیادی از این مشکلات بازتابی از ناتوانی برنامه‌های توسعه در سیاست‌گذاری موثر و مقابله صحیح با اثرات تحریم‌های بین‌المللی است. بررسی آمارهای مربوط به تراز تجاری، رشد تجارت و تولید، و ارزش واردات و صادرات کالاها نشان می‌دهد که اقتصاد ایران نتوانسته است به طور پایدار از ظرفیت‌های خود برای دستیابی به تعادل در تراز تجاری و رشد پایدار استفاده کند. در این دوره، تراز تجاری ایران با نوسانات شدیدی همراه بوده است. به عنوان مثال، در سال‌هایی که درآمدهای نفتی افزایش یافته، تراز تجاری مثبت شده، اما در دوران تحریم‌ها و کاهش درآمدهای نفتی، این تراز به شدت منفی گردیده است. این نوسانات نشان‌دهنده وابستگی شدید اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی و ناتوانی در توسعه صادرات غیرنفتی است. با وجود اینکه این پژوهش با محوریت برنامه‌های توسعه موضوع اثرات تحریم‌های بین‌المللی را بر ساختار سیاست‌گذاری در حوزه دیپلماسی اقتصادی مورد بررسی قرار می‌دهد، اما نظر به اینکه شاخص عملکرد مشخصی در خصوص برنامه‌های توسعه در دست نیست و قانون‌گذار نیز ابزار موثر و دارای ضمانت اجرایی را برای پاسخگو کردن دولت به برنامه‌های توسعه پیش‌بینی نکرده است، نویسندگان برخی شاخص‌های اقتصادی در حوزه دیپلماسی اقتصادی را مورد بررسی و موشکافی قرار داده‌اند تا از این رهگذر ناکارآمدی سیاست‌گذاری‌های عرصه دیپلماسی اقتصادی را در برنامه‌های توسعه نشان دهند.

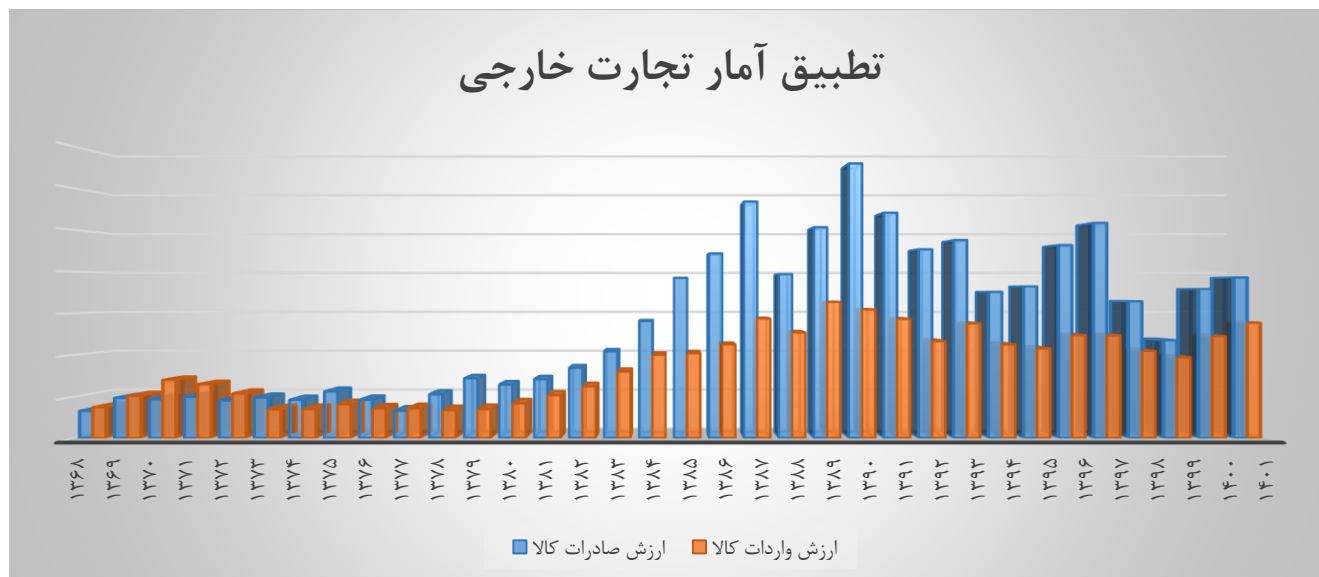


## نمودار شماره (۱): روند تجاری اقتصاد ایران در سال‌های ۱۳۶۸-۱۴۰۱



رشد تجارت خارجی ایران در مقایسه با رشد تولید ناخالص داخلی، گویای ضعف ساختاری در اقتصاد است. در حالی که رشد تولید ناخالص داخلی در بسیاری از سال‌ها تک‌رقمی یا حتی منفی بوده، رشد تجارت خارجی به دلیل تحریم‌ها و محدودیت‌های مالی با موانع جدی مواجه شده است. این شکاف بین رشد تجارت و رشد تولید نشان می‌دهد که اقتصاد ایران نتوانسته است از ظرفیت‌های تجاری خود برای تقویت تولید داخلی استفاده کند. علاوه بر این، ارزش واردات کالاها در مقایسه با صادرات غیرنفتی همواره بالاتر بوده است، که بیانگر وابستگی شدید به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای است و بخش تولیدی کشور را تحت تأثیر قرار داده است. تراز تجاری ایران در این دوره با نوسانات سینوسی شدیدی همراه بوده است؛ در سال‌هایی که درآمدهای نفتی افزایش یافته، تراز تجاری مثبت شده، اما در دوران تحریم‌ها و کاهش درآمدهای نفتی، این تراز به شدت منفی بوده است. این نوسانات نه تنها نشان‌دهنده وابستگی شدید اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی است، بلکه بیانگر ناتوانی برنامه‌های توسعه در ایجاد تنوع در صادرات غیرنفتی و کاهش وابستگی به واردات است.

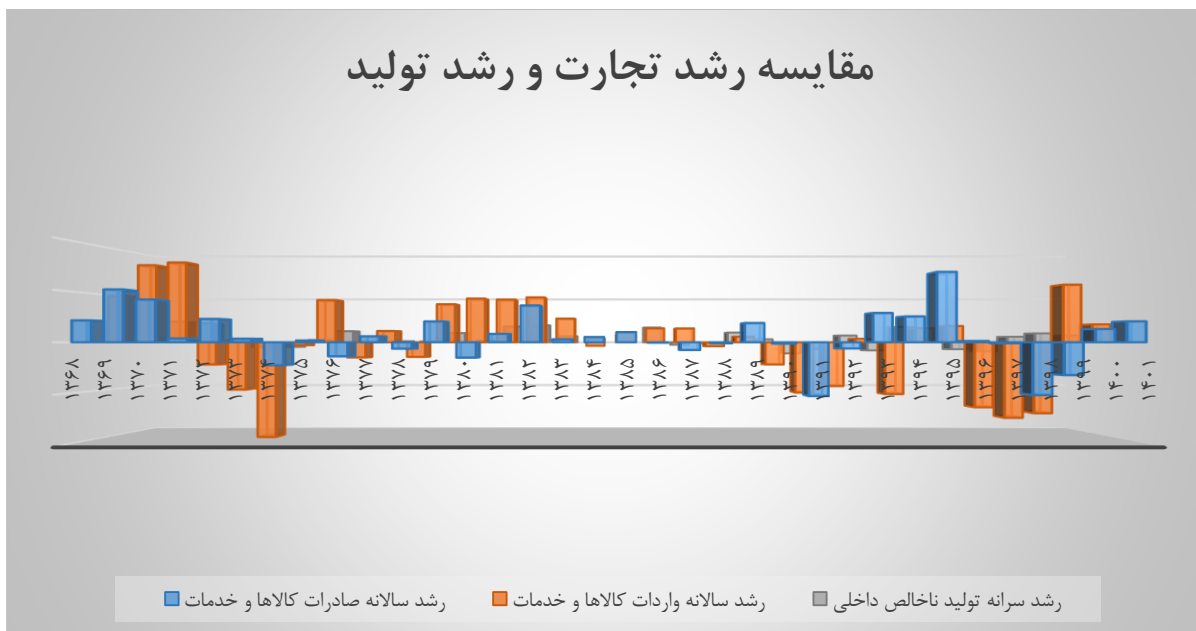
نمودار شماره (۲): قیاس ارزش واردات کالا در برابر ارزش صادرات کالا در اقتصاد ایران در سال‌های ۱۳۶۸-۱۴۰۱



Source: World Bank Open Data | Data

فزونی ارزش صادرات بر واردات در یک بازه زمانی بیش از سی سال در اقتصاد ایران و بروز این امر همزمان با پایان جنگ تحمیلی نشان از سهم بالای صادرات در بازرگانی خارجی دارد که البته با مذاقه در اجزای صادرات ایران به این نکته مهم پی می‌بریم که سهم بالای صادرات نفت خام، گاز و فرآورده‌های حاصل از نفت و گاز در حفظ برتری صادرات به واردات در این بازه زمانی نقش مهمی دارد. لازم به توضیح است آنچه که در بازرگانی خارجی دارای اهمیت است، کیفیت اقلام صادراتی از حیث فناوری و سطح تولیدی بودن است لذا برتری صادرات بر واردات در اقتصاد ایران از آنجا که تنها از محل صادرات منابع طبیعی است بر خلاف برخی از ادعاهای تبلیغاتی دولتمردان طی ادوار گوناگون نشان از قوت اقتصاد ایران ندارد.

### نمودار شماره (۳) : مقایسه رشد تجارت و رشد تولید در اقتصاد ایران

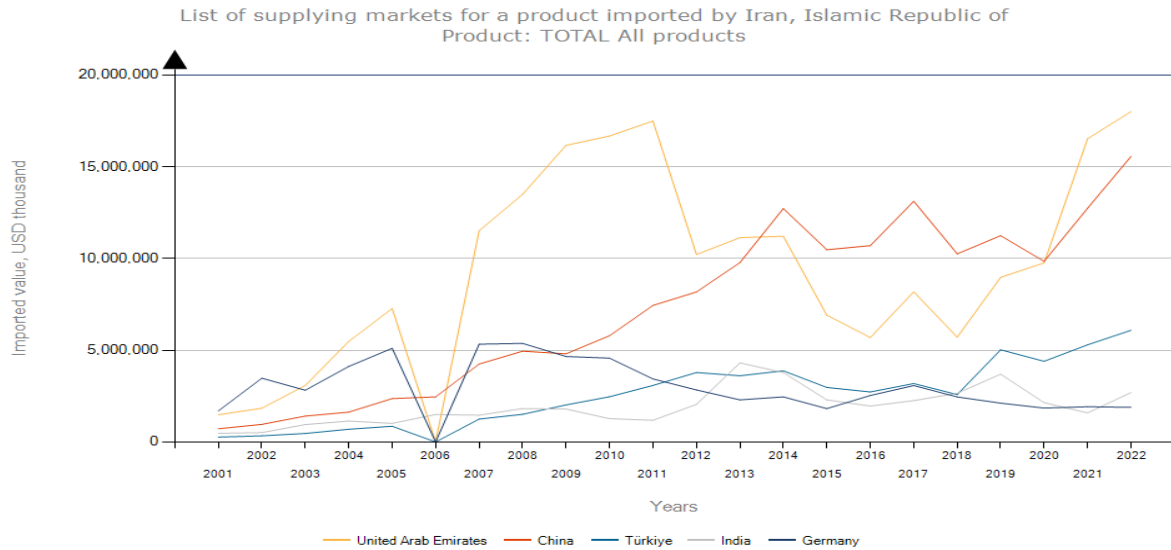


Source: World Bank Open Data | Data

در قیاس میان رشد سالانه واردات و صادرات، مشاهده می‌شود که جریان سینوسی بر هر دو روند حاکم بوده است و این رشد نوسانی از نبود ثبات در هر دو حوزه حکایت دارد. همچنین هر دو حوزه متأثر از سیاست‌های حاکم و از جمله سیاست‌های تعرفه‌ای است. باید در نظر داشت که صادرات و واردات زمینه‌هایی است که پس از جریان تولید و با در نظر گرفتن الزامات سرزمین اصلی و سرزمین میزبان و با تسهیلگری فرآیندهای پولی و مالی صورت می‌گیرد و بنابراین پیش و بیش از هر اولویت‌گذاری ضرورت ثبات در سیاستگذاری بر صادرات و واردات مورد نیاز بوده است که سیاستگذار در برنامه‌های توسعه توجهی به آن نداشته است.

در همین حال و از منظر شرکای تجاری، عمده‌ترین کشورهای صادرکننده کالا به ایران در این دوره شامل چین، امارات متحده عربی، ترکیه، هند و کره جنوبی بوده‌اند. از سوی دیگر، عمده‌ترین مقاصد صادراتی کالاهای ایرانی نیز کشورهایی مانند چین، عراق، امارات، افغانستان و هند هستند که این الگوهای تجاری نشان می‌دهد که ایران نتوانسته است تنوع لازم در شرکای تجاری خود ایجاد کند و همچنان به چند کشور محدود وابسته است. در نهایت، این آمارها نشان می‌دهند که برنامه‌های توسعه ایران نتوانسته‌اند با اتخاذ سیاست‌های موثر، اثرات تحریم‌ها را خنثی کنند و اقتصاد کشور را در مسیر رشد پایدار و متوازن قرار دهند.

### نمودار شماره (۴) : عمده‌ترین کشورهای صادرکننده کالا به ایران



Source: trademap.org

همانطور که در نمودار زیر مشاهده می‌شود، چین مهم‌ترین واردکننده کالاهای صادراتی ایران از سال ۲۰۱۸ است. البته نمودار مذکور افت شدید ارزش صادرات کالاهای ایرانی را از سال ۲۰۱۲ به وضوح نشان می‌دهد.

### نمودار شماره (۵) : عمده‌ترین کشورهای واردکننده کالاهای ایرانی



موضوع تنوع شرکای تجاری خود می‌تواند یکی از اهداف سیاستگذاران دیپلماسی اقتصادی باشد. حال آنکه بر اساس نمودارهای فوق، ایران در عرصه‌های صادرات و واردات نتوانسته شرکای تجاری متنوعی برای خود بیابد. در نهایت، این آمارها و شواهد نشان می‌دهند که سیاست‌گذاران ایرانی در حوزه دیپلماسی اقتصادی منفعل بوده‌اند و برنامه‌های توسعه نتوانسته‌اند با تحریم‌های بین‌المللی به‌طور موثر برخورد کنند. فقدان ثبات در سیاست‌گذاری، وابستگی به درآمدهای نفتی و ناتوانی در ایجاد تنوع در شرکای تجاری، همگی نشان‌دهنده ناکارآمدی سیاست‌های اتخاذ شده در برنامه‌های توسعه و اسناد بالادستی کشور در حوزه دیپلماسی اقتصادی بوده است. نکته قابل تأمل این است که برنامه‌های توسعه ایران نتوانسته‌اند با اتخاذ سیاست‌های موثر، اثرات تحریم‌ها را خنثی کنند و به عنوان مثال، تغییرات مداوم در تعرفه‌های گمرکی و قوانین تجاری، برنامه‌ریزی بلندمدت بازرگانان را با مشکل مواجه کرده است. بنیاد هریتیج در سال ۲۰۲۳ متوسط نرخ تعرفه موزون تجاری ایران را ۱۲,۱ درصد اعلام کرده است؛<sup>۱</sup> که نشان‌دهنده بی‌ثباتی در سیاست‌های تجاری است. این بی‌ثباتی نه تنها مانع حضور پر قدرت تجار ایرانی در بازارهای جهانی شده، بلکه باعث کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی نیز گردیده است.<sup>۲</sup>

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اقتصاد ایران در چهار دهه اخیر با تحریم‌های گسترده‌ای از سوی بازیگران بین‌المللی همچون ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل مواجه بوده است. این تحریم‌ها که از زمان انقلاب اسلامی و به‌ویژه پس از تسخیر سفارت آمریکا در تهران در سال ۱۹۷۹ آغاز شد، با اهداف مختلفی از جمله محدودسازی دسترسی ایران به درآمدهای ارزی، کاهش توان تولید و صادرات نفت، و مهار توان نظامی و اقتصادی ایران اعمال شده‌اند. تحریم‌های آمریکا در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ عمدتاً با اهدافی مانند آزادی گروگان‌های آمریکایی، پایان دادن به جنگ ایران و عراق، و محدودسازی حمایت ایران از گروه‌های مورد نظر آمریکا در منطقه همراه بود. با این حال، در دو دهه اخیر، تحریم‌ها به‌ویژه بر مسیرهای مالی و بانکی ایران متمرکز شده‌اند تا دسترسی دولت به درآمدهای نفتی را با دشواری مواجه کنند. تحلیل داده‌های تجاری و اقتصادی ایران نشان می‌دهد که اقتصاد کشور با وجود

<sup>1</sup> - <https://www.heritage.org/index/pages/country-pages/iran>

<sup>2</sup> - <https://dergipark.org.tr/en/download/article-file/4354024#:~:text=According%20to%20the%20World%20Investment,decrease%20in%20just%20one%20year.>

برتری درآمدهای صادراتی بر وارداتی، وابستگی شدیدی به درآمدهای نفتی دارد که این موضوع به نقطه ضعف اصلی اقتصاد ایران تبدیل شده است. این وابستگی، همراه با ناتوانی در ایجاد تنوع در صادرات و بهبود توان تولیدی، زمینه‌ساز اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران بوده است. همچنین، ترکیب واردات ایران از کالاهای واسطه‌ای و نهاده‌های تولیدی به سمت کالاهای مصرفی تغییر یافته که نشان‌دهنده کاهش توان تولیدی و تشدید اثرات تحریم‌ها است. این مقاله با بررسی اسناد بالادستی اعم از سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، سیاست‌های کلی برنامه‌های ششم و هفتم، برنامه‌های توسعه اول تا هفتم و همچنین سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، به این نتیجه رسیده است که سیاستگذار ایرانی از دهه ۱۳۷۰ که جمهوری اسلامی ایران به صورت ایران مورد اعمال تحریم‌های تجاری آمریکا قرار گرفته است تا دهه ۱۳۹۰ که بی‌سابقه‌ترین تحریم‌های مالی و بانکی مسیر بخش زیادی از فعالیت‌های روزمره تجاری در ایران را سد کرده است، در عمل تحریم‌ها را به رسمیت نشناخته است به نحوی که جز در یک یادکرد در متن برنامه اول توسعه، یک بند از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و دو بند در متن برنامه توسعه هفتم رد و نشانی از سیاستگذاری حول موضوع تحریم و اثرات آن در دیپلماسی اقتصادی مشاهده نمی‌شود.

در مجموع، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کلان در دیپلماسی اقتصادی ایران طی دوره ۱۳۶۸-۱۴۰۰، مبتنی بر گزاره‌های فراسیاست و بدون توجه کافی به تحریم‌های بین‌المللی و فاقد تداوم و سازوکارهای ثبات‌بخش بوده است که اصلاح این وضعیت، مستلزم بازنگری اساسی در سیاست‌های تجاری و دیپلماسی اقتصادی ایران است تا بتواند در برابر تحریم‌ها مقاوم‌تر شده و به رشد پایدار دست یابد. در همین حال برای بهره‌برداری حداکثری از دیپلماسی اقتصادی، توجه به ظرفیت‌های قانونی، دیپلماتیک و مزیت‌های ژئوپلیتیک ایران ضروری است و اسناد بالادستی و برنامه‌های توسعه در حوزه دیپلماسی اقتصادی باید توسط دستگاه‌های اجرایی مرتبط مانند وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت خارجه و بانک مرکزی مورد تاکید قرار گیرند به نحوی که نبود نگاه واحد در این اسناد منجر به واگرایی در اجرا نشود. در چنین شرایطی استفاده از ظرفیت‌های موجود می‌تواند زمینه‌ساز بهره‌مندی از سازمان‌ها و بانک‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای ایجاد انسجام منطقه‌ای باشد. در مجموع از آنجایی که منافع اقتصادی ملموس بخش مهمی از منافع ملی است، در تدوین برنامه‌های توسعه باید عقلانیت نتیجه‌گرا بر عقلانیت‌های ترجیحی و رویه‌گرا تفوق یابد و روند فعلی برنامه‌نویسی توسعه به ویژه در حوزه دیپلماسی اقتصادی در کشور باید بر موضوع تحریم‌ها و ثبات در سیاست‌گذاری اقتصادی تاکید کند و ابزارهای نظارتی و ضمانت‌های اجرایی را در این چارچوب پیش‌بینی کند.

## منابع و ماخذ:

- احمدی، عبدالرضا و عبدالخانی، لنا و شهابی، روح اله و اکبرزاده، فریدون (۱۴۰۰). *تحلیل اقتصاد سیاسی بر ثبات اقتصادی با تاکید بر تحریم‌های جمهوری اسلامی ایران*. فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، دوره ۱۴، شماره ۱، ۱۵۱-۱۷۵.
- آزادبخت امین، مطلبی کربکندی محمدعلی و دشتبانی یاور (۱۴۰۲). *دیپلماسی اقتصادی ایران و عراق و راهبردهای افزونگی (کیفی سازی) آن*. نشریه مطالعات مدیریت راهبردی، دوره ۱۴، شماره ۵۴، ۱۲۱-۱۴۷.
- زاراته، خوان (۱۳۹۷). *اتاق جنگ در خزانه‌داری آمریکا: شروع عصر جدید جنگ مالی*. ترجمه مریم اصغرپور و حوا میرمحمدیان. تهران: انتشارات پندار تابان.
- سجادی‌پور، سیدمحمدکاظم، حسینی، سیدشمس‌الدین و نیرآبادی، حمید. (۱۳۹۸). *طراحی مدل دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بایسته‌ها، مؤلفه‌ها و راهبردهای کلیدی*. امنیت ملی، ۹(۳۴)، ۳۸۹-۴۲۶.
- صبوری و صالحیان (۱۳۹۶). *بررسی راهبردی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی دولت یازدهم و دوازدهم*. فصلنامه پژوهش‌های بین‌الملل، ۱۳۳-۱۵۸.
- علینقی‌پور، علی؛ گودرزی، مهناز. (۱۴۰۱). *تاثیر تحریم‌های آمریکا بر جهت‌گیری دیپلماسی اقتصادی ایران به سمت شرق در دوره ریاست‌جمهوری حسن روحانی (مطالعه موردی روسیه)*. رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۶(۶۰)، ۱۳۹-۱۵۳.
- کالجی، ولی؛ هرورانی، حسین. (۱۴۰۰). *راهکارهای تقویت دیپلماسی اقتصادی ایران و جمهوری ارمنستان پس از بحران قره‌باغ*. ماهنامه گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۲۹(۳).
- لوتادی، داریو و پسران، محمدهاشم (۱۴۰۱). *شناسایی آثار تحریم‌ها بر اقتصاد ایران*. تهران: مرکز پژوهش‌های اتاق ایران، گزارش فارسی، خرداد ۱۴۰۱.
- مسعودنیا، حسین؛ ابراهیمی، علی؛ مرادی، اسدالله. (۱۳۹۳). *تحریم اقتصادی؛ فرصت‌ها و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در تأمین منافع ملی*. راهبرد اقتصادی، ۳(۱)، ۲۸-۴۳.
- موسوی شفاپی، سیدمسعود، و ایمانی، همت. *دیپلماسی اقتصادی رهیافتی برای افزایش قدرت ملی ایران*. راهبرد، شماره ۸۴، پائیز ۱۳۹۶، ۱۴۹-۱۷۴.

- نفیو، ریچارد (۱۳۹۷). *هنر تحریم‌ها: نگاهی از درون میدان*. ترجمه گروه مترجمان. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهش‌های اقتصادی.
- یارمحمدیان، محمود. (۱۳۹۰). *تحریم‌های اقتصادی و تأثیر آن بر اقتصاد ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- *National Security Strategy of the United States of America*. (2010). Retrieved from <https://history.defense.gov/Historical-Sources/National-Security-Strategy/>
- Afesorbor, S. K. (2019). *The Impact of Economic Sanctions on International Trade: How do Threatened Sanctions Compare with Imposed Sanctions?* *European Journal of Political Economy*, 56, 11–26. <https://doi.org/10.1016/j.ejpoleco.2018.06.002>
- Baldwin, R. E. (1985). *Ineffectiveness of Protection in Promoting Social Goals*. *The World Economy*, 8(2), 109–118.
- Bayne, N., & Woolcock, S. (2003). *The New Economic Diplomacy: Decision-Making and Negotiation in International Economic Relations*. Ashton.
- Benko, G. (1997). *Space and Social Theory: Interpreting Modernity and Postmodernity*. Wiley-Blackwell.
- Berridge, G. R., & James, A. (2003). *Dictionary of Diplomacy* (2nd ed.). Palgrave Macmillan.
- Bromley, S. (2005). *The United States and the Control of World Oil*. *Government and Opposition*, 40(2), 225–255.
- Drury, A. C. (2005). *Economic sanctions and presidential decisions: Models of political rationality*. Palgrave Macmillan.
- Economides, S., & Wilson, P. (2001). *The Economic Factor in International Relations*. I.B. Tauris. <http://digital.casalini.it/9780857712325>
- Egger, P., Syropoulos, C., & Yotov, Y. V. (2024). *Analyzing the effects of economic sanctions: Recent theory, data, and quantification*. *Review of International Economics*, 32(1), 1–11. <https://doi.org/10.1111/roie.12724>
- Eyler, R. (2007). *Economic sanctions: International Policy and Political Economy at work*. Palgrave Macmillan.
- Galtung, J. (1976). *Three Approaches to Peace: Peacekeeping, Peacemaking, and Peacebuilding*. In *Peace, war and defense: Essays in peace research II* (pp. 292–304). Christian Elders.



- Gilpin, J. M., & Gilpin, R. (1987). *Global Political Understanding the International Economy*. Princeton University Press.
- Gurvich, E., & Prilepskiy, I. (2015). *The Impact of Financial Sanctions on The Russian Economy*. *Russian Journal of Economics*, 1(4), 359–385. <https://doi.org/10.1016/j.ruje.2016.02.002>
- Hufbauer, G. C., & Schott, J. J. (1985). *Economic Sanctions and U.S. Foreign Policy*. *Political Science & Politics*, 18(4), 727–735. <https://doi.org/10.2307/419135>
- Hutabarat, L. F. (2023). *Vegetable Oil Economic Diplomacy as An Instrument of Indonesian Foreign Policy*. *Jurnal Global & Strategis*, 17(1), 131–152. <https://doi.org/10.20473/jgs.17.1.2023.131-152>
- James, A. (1980). *Diplomacy and International Society*. *International Relations*, 6(6), 931–948. <https://doi.org/10.1177/004711788000600604>
- Lamotte, O. (2012). *The Impact of Economic Sanctions on International Trade*. In *Sanctions and Economic Growth* (pp. 45–60). Springer.
- Markova, J. (2019). *The Importance of Economic Diplomacy in The Further Development of the EU*. *International Journal of Public Administration, Management and Economic Development*, 29–38.
- Mulder, N. (2022). *The Economic Weapon: The Rise of Sanctions as A Tool Of Modern War*. Yale University Press.
- Ndakaripa, M. (2020). *Zimbabwe is Open for Business: Aspects of Post-Mugabe Economic Diplomacy*. *South African Journal of International Affairs*, 27(3), 363–389. <https://doi.org/10.1080/10220461.2020.1826355>
- Oatley, T. (2019). *International Political Economy*. Routledge.
- Olsen, K. B. (2022). *Diplomatic Realisation of the EU's "Goeconomic Pivot": Sanctions, trade, and development policy reform*. *Politics and Governance*, 10(1), 5–15. <https://doi.org/10.17645/pag.v10i1.4739>
- Pollins, B. M. (1989). *Conflict, Cooperation, and Commerce: The Effect of International Political Interactions on Bilateral Trade Flows*. *American Journal of Political Science*, 33(3), 737–761. <https://doi.org/10.2307/2111070>
- Ramadan, I., & Anggraeni, S. D. (2022). *Recovering Stronger: Indonesia's Economic Diplomacy Towards Ethiopia in the Post-Pandemic Era*. *African Studies Quarterly*, 21(3), 50–60. <https://doi.org/10.32473/asq.21.3.135955>
- Rana, K. S. (2002). *Bilateral Diplomacy*. Diplo Foundation.

- Rose, A. K. (2007). *The Foreign Service and Foreign Trade: Embassies as Export Promotion*. *The World Economy*, 30(1), 22–38.  
<https://doi.org/10.1111/j.1467-9701.2007.00870.x>
- Saner, R., & Yiu, L. (2003). *International Economic Diplomacy: Mutations in Post-Modern Times*. Discussion Paper No. 84. Retrieved from [businessdiplomats.com](http://businessdiplomats.com)
- Timilsana, B. K. (2024). *Soft Power and Small States: A Theoretical Discussion*. *Journal of Political Science*, 139–158. <https://doi.org/10.3126/jps.v24i1.62860>
- Van Bergeijk, P. A. G. (2021). *Research Handbook on Economic Sanctions*. Edward Elgar Publishing.
- Vukadinović, R. (1995). *Diplomacija: Strategija Političnih Pogajanj*. Arah Consulting.
- Wang, Y., Wang, K., & Chang, C.-P. (2019). *The Impacts of Economic Sanctions on Exchange Rate Volatility*. *Economic Modelling*, 82, 58–65.  
<https://doi.org/10.1016/j.econmod.2019.07.004>